

صحیح خوانی متون کهن

چالش‌های مواجهه با متون نظم و نثر فارسی

محمدرضا طاهری

www.ketab.ir

۳۵۰۵۶
سرشناسه: طاهری، محمدرضا، ۱۳۶۳.

عنوان و نام پدیدآور: صحیح خوانی متون کهن. / محمدرضا طاهری

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: [۲۳۶]ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۶۴۰-۵

موضوع: چالش‌های مواجهه با متون نظم و نثر فارسی

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۳۶ / ۱۳۹۸

رده‌بندی دیویی: ۸۰۴۱ / ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۹۳۱۲۵

www.ketab.ir

فصل پنجم / ناشر تخصصی شعر

صحیح خوانی متون کهن: محمد با طاهری

چاپ اول: ۱۳۹۸ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه

طراح جلد: حسین جنتی

بها: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۶۴۰-۵

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱-۱۳۱۴۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۳، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷-۶۶۹۰۹۱۸۹۱-۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	فصل اول: کلیات
۱۷	۱. چرا مبرهنه سهز
۲۳	۲. نقش پدیده‌های آوایی در تحجیح خوانی
۲۳	الف) تکیه یا آکسنت (Accent)
۲۷	ب) لحن یا آهنگ (Intonation)
۳۰	پ) مکث یا درنگ (Pause)
۳۲	۳. ویژگی‌های زبانی متون کهن فارسی
۳۴	الف) تفاوت در کاربرد، تلفظ و معنای برخی کلمات
۳۹	ب) کارکردها و معانی متفاوت حروف اضافه
۴۲	پ) نکاتی درباره «ی»
۴۴	ت) نکاتی درباره ضمیر
۴۶	ث) نکاتی درباره «را»
۴۷	ج) چند نکته کوچک اما مهم
۵۵	فصل دوم: ناخنکی به گلستان سعدی
۵۵	گلستان، آئینه جهان
۵۷	نمونه متنی گلستان
۷۶	اشاره‌ها و نکته‌ها

۹۷	فصل سوم: ناخنکی به غزلیات سعدی
۹۷	سعدی، شاعرِ زمین
۹۹	نمونه غزلیات سعدی
۱۱۶	اشاره‌ها و نکته‌ها
۱۳۱	فصل چهارم: ناخنکی به غزلیات حافظ
۱۳۱	بهارانِ حافظ
۱۳۶	نمونه غزلیات حافظ
۱۵۹	اشاره‌ها و نکته‌ها
۱۷۹	فصل پنجم: ناخنکی به تاریخ بیهقی
۱۷۹	«مائشینِ زمانِ بیهقی»
۱۸۲	نمونه متن تاریخ بیهقی
۲۰۳	اشاره‌ها و نکته‌ها
۲۱۹	فصل ششم: خلاصه سه قصیده و سه اشعار
۲۱۹	سنت قصیده سرایی
۲۲۰	۱- حکیم ناصر خسرو قبادیانی
۲۲۲	۲- انوری ابیوردی
۲۲۴	۳- خاقانی شروانی
۲۲۷	اشاره‌ها و نکته‌ها
۲۳۳	کتابنامه

مقدمه

خوبان پارسی گو بخشدگانِ عمرند
ساقی بده بشارتِ رندانِ پارسا را
حافظ

ما فارسی زبانان از نعمتی بزرگ برخورداریم که اغلب از شکر آن غافلیم. زبان مادری ما همان زبانی است که چندین و چند تن از بزرگان تاریخ اندیشه و ادب جهان به آن سخن گفته‌اند. ما این بخت را داریم که بی واسطه از چشمه زلال هنر و دانش و معرفت ایشان بنوشیم و خاطر خود را آکنده از آن همه خرد و شیرینی کنیم. این بخت کوچکی نیست. در قرن بیست و یکم که سر و صدای ماشین‌های پوچ تبلیغات و سرگرمی‌های مبتذل، اجازه شنیدن نجوای نابِ عالم را به اغلب انسان‌ها نمی‌دهد، ما می‌توانیم گاهی تلوزیون را خاموش و اینترنت را قطع کنیم و پای صحبتِ خوبانِ تاریخ بنشینیم؛ ملیت و حماسه را در شاهنامه فردوسی حس کنیم، عرفان را با مولوی تجربه کنیم، لحظه‌ها را با خیام خوش کنیم، عشق و زندگی را از سعدی بیاموزیم، قصه‌های عجیب و حکیمانه را از نظامی بشنویم و طعم آزادی را در غزل حافظ بچشیم. آری این بخت بزرگی است. در دنیا بسیار کسان بوده‌اند که این بخت را نداشته‌اند و سعی کرده‌اند از راه ترجمه یا از طریق آموختن زبان فارسی با آثار این بزرگان مرتبط شوند. البته که

آنها نیز به قدر توان و ظرفیت، جرعه‌هایی از این اقیانوس نوشیده‌اند اما لذت و بهره‌ای که ما می‌بریم کجا و تماشایی که آنها می‌کنند کجا؟ چرا که بخش مهمی از اندیشه و عاطفه یک اثر ادبی در ریزه‌کاری‌های زبانی آن اثر بروز می‌یابد که تنها اهالی آن زبان آن را درمی‌یابند و در ترجمه نیز از دست خواهد رفت.

با این همه اما جای دریغ است که مردم ما به خصوص نسل‌های جدیدتر اغلب آن‌گونه که سزاوار است از متون کهن ادب فارسی بهره‌مند نیستند. حقیقت آن است که اگر یک متن کهن ساده، اعم از شعر یا نثر را پیش روی بیشتر مردم ایران بگذاریم احساس می‌کنند که با آن بیگانه‌اند یا نمی‌توانند از آن سر در بیاورند. این وضعیت حتی در میان کسانی که تسلط کامل کرده و روشنفکر هم وجود دارد. حتی بسیاری از کسانی که خود اهل نوشتن و معرمانه‌نویسی و قصه و مقاله می‌نویسند نیز خالی از چنین خللی نیستند. من خود شاعر و نثرساز و روزنامه‌نگاری را می‌شناسم که اگر گلستان سعدی یا تاریخ بیهقی یا شاه‌نامه فردوسی را باز کنی و پیش رویشان بگذاری در صحیح خواندن و فهمیدن آن مشکل دارند. وضعیت برای نسل‌های جدیدتر و متولیدین دو سه دهه اخیر از این هم وخیم‌تر است. آنها هم حتی با مشهورترین ابیات سعدی و حافظ که تا چندی پیش تقریباً تمام فارسی‌زبانان آنها را در حافظه داشتند هم بیگانه‌اند! همه این‌ها یعنی خطر قطع ارتباط ما با پیشینه شکوهمندمان که با این تن و خون دل بهترین مردان و زنان این سرزمین تا امروز حفظ شده است.

این که این وضعیت بر اثر چه عواملی به وجود آمده است یک تحقیق مفصل و جامع را می‌طلبد که از حوصله این کتاب و توان نویسنده‌اش خارج است. به هر حال هنوز هم در اطراف ما پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی هستند که با وجود سواد اندک، راحت‌تر از فرزندان و نوه‌های تحصیلکرده و دانشگاه‌رفته‌شان با متون کهن ارتباط برقرار می‌کنند. این نشان می‌دهد که احتمالاً آموزش و پرورش و رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی در چند دهه اخیر راه‌هایی را به خطا رفته‌اند و این خطا می‌تواند به همین زودی ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به فرهنگ ملی ما وارد کند.

با این همه تجربه سال‌ها حشر و نشر با شاعران و نویسندگان جوان و اندکی معلّمی درس زبان و ادبیات فارسی، این نوید را به من می‌دهد که چنین مشکلی غیر قابل حل نیست. در صورتی که آموزش‌های صحیح برای ارتباط با متون را به دانش‌آموزان و دانشجویان، به خصوص در سنین پایین‌تر بدهیم و آنها را با لذت بردن از متنِ کهن آشنا کنیم، آنها خود ادامهٔ راه را خواهند آمد و به اندازهٔ علاقه و توان و ظرفیت از متون کهن بهره خواهند برد.

نخستین مشکلی که افراد در مواجهه با یک متنِ کهن دارند «عدم اعتماد به نفس» است. ظاهراً این باور - بنوعی نیست از کجا - در ذهن مردم ما جا افتاده است که صرفِ قدیمی بودنِ یک متن، این معناست که ما برای فهمیدن آن مشکل خواهیم داشت و نمی‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم. همین عدم اعتماد به نفس سبب می‌شود وقتی یک متنِ کهن را پیش روی فردِ فارسی‌زبان قرار می‌دهیم آن را با تردید بخواند و همین تردید باعث شود که در خواندن، حسی جماعت و انانیت پیدا کند و همین خطا خواندن موجب شود که مفهوم متن به درستی دریافت نگردد. جالب اینجاست که در بسیاری از موارد اگر کسی همان متن را برای فردِ مورد نظر، در دست می‌بخواند، او تا حدّ بالایی معنای مورد نظر نویسنده را درک می‌کند. این نشان می‌دهد که برای درست فهمیدن یک متن لازم است که ابتدا آن را درست بخوانیم.

باز یافتن این اعتماد به نفس از دست رفته کار مشکلی نیست. کافی است به جای باورِ فوق این باور را در خودمان تقویت کنیم که ما یک فارسی‌زبان هستیم. صحیح است که شب با این زبان هر مفهومی که دلمان بخواهد را به راحتی بیان می‌کنیم. متون کهن نیز به زبان مادری ما نوشته شده‌اند و ما معنای اکثر کلمات آن را می‌دانیم. پس با اندکی تمرین و مطالعه می‌توانیم مشکلمان را دست‌کم با متون ساده‌تری مثل سعدی و حافظ حل کنیم.

به عنوان گام نخست، برای یافتن آن اعتماد به نفس، دانستن نکات مختصر و ساده‌ای از دانش «سبک‌شناسی» می‌تواند راهگشا باشد که در این کتاب بدان خواهیم

پرداخت. اما آیا به دست آوردن این اعتماد به نفس به تنهایی کافی است؟ به هیچ وجه! این فقط اولین قدم است. مهم‌ترین چیز آن است که ما از خواندن متون کهن لذت ببریم و ساعت‌های طولانی برای آن وقت بگذاریم و آنقدر متون را بخوانیم که هنجارهای زبانی آن ملکه ذهنمان شود.

این کتاب قرار نیست که از خوانندگان ادیبانی بسازد که بر تمام متون ادب فارسی تسلط دارند، بلکه سعی دارد راه پیشرفت در این مسیر را به خوانندگان نشان دهد و آنان را در برداشتن گام‌های نخستین این راه همراهی کند.

در فصل اول کتابی کلی درباره اهمیت متون و راه‌های لذت بردن از آن گفته خواهد شد و به نکاتی رانی از دانش «سبک‌شناسی» اشاره مختصری خواهیم کرد که می‌تواند در فهم متن بسیار سودمند باشد. در فصل‌های بعد ناخنکی به متون مهم ادب فارسی می‌زنیم و قسمت‌هایی مختصر از چند متن مهم فارسی را مرور می‌کنیم. در بخش «اشاره‌ها و نکته‌ها» بخشی از هر متن را یاد آید اولاً معنای لغات مهجور و عبارات دشوار متن توضیح داده خواهد شد، ثانیاً بخشی را درباره «چگونه صحیح خواندن» برخی از جملات یا ابیات می‌گوییم و ثالثاً به نکاتی اشاره می‌کنیم که یادآوری آنها می‌تواند باعث لذت بیشتر ما از آثار ادبی شود. لازم است یاد آوری که تمامی متونی که در این کتاب انتخاب و گزینش شده‌اند قبلاً توسط استادان بزرگ ادب فارسی به طور کامل شرح و توضیح داده شده است و مقصود من در این کتاب هیچ رجه دوباره کاری در شرح دادن متون نبوده و نیست. حتی گاه برخی از کلمات را که ممکن است برای خوانندگان جوان‌تر نا شناخته باشد معنا نکرده‌ام زیرا معنای کلمات با جستجوی ساده در فرهنگ‌های لغت به سادگی قابل دریافت است. بلکه در توضیح ابیات و عبارات بیشتر سعی کرده‌ام به وجوهی نظر داشته باشم که به صحیح خواندن متن توسط خوانندگان امروزی کمک می‌کند و احتمالاً در شرح‌های استادان به آنها اشارتی نرفته است.

مخاطب هدف این کتاب در درجه اول نوقلمانی هستند که به تازگی پای در مسیر نوشتن نهاده‌اند. کسانی که علاقمندند شعر و ترانه و داستان و نمایشنامه و فیلمنامه

بنویسند، یا برای مطبوعات گزارش و خبر تهیه کنند، یا قصد دارند نقدهای هنری و مقاله‌های علمی بنویسند و یا حتی می‌خواهند وارد عرصه‌هایی مانند گویندگی، اجرا، بازیگری و... بشوند. هر کس که با کلمه سر و کار دارد و قصد دارد متنی را در قالب زبان فارسی به مخاطبان عرضه کند هیچ راهی ندارد مگر آنکه ریشه‌های این زبان را بشناسد و با صورت‌های کمال یافته آن آشنایی و انس پیدا کند. کسی که با کلمه سر و کار دارد باید بداند که اگر خود را به سرچشمه‌های زلال زبان وصل نکند به ناچار از آب‌خوری گل‌آلود دم‌دستی در پیاله مخاطبانش خواهد ریخت و در این صورت یا کارش بی‌اثر و بی‌فایده خواهد بود، یا اگر به دلایلی بتواند کسانی را به کار خود جذب کند با خوانندین یک‌سری ناراحتی بی‌اصل و نَسَب به مخاطبان، ناخواسته به بی‌فرهنگی و بی‌ریشگی در جامعه دام می‌زند.

در درجه دوم اما هر کسی که درست می‌دارد از آن همه هنر و فرهنگ و دانش و معرفت که میراث نیاکان ما است بی‌خبر نباشد. می‌تواند مخاطب این کتاب باشد و از طریق آن راهی برای خویش به مطالعات نسخه‌های کامل و اصلی متون نظم و نثر فارسی باز کند.

درباره انتخاب متون

در انتخاب و خلاصه کردن متون، تلاش و توجه بر این است که خواننده‌ای که در آغاز راه است بتواند ابتدا از متن لذت ببرد و سپس نکاتی را از آن بیاموزد که باعث مهارت او در خواندن متون دیگر همان نویسنده یا شاعر نیز بشود. برای دستیابی به این دو مهم، سعی کردم بخش‌هایی از هر متن را گزینش کنم که هم پیچیدگی‌های کم‌تری داشته باشد و هم ویژگی‌های سبکی شاعر یا نویسنده مورد نظر را آینگی کند. بیشتر متونی که انتخاب کرده‌ام خلاصه شده‌اند. تلاش کرده‌ام تا جای ممکن عبارات دشوار و مبهم یا جملات عربی را حذف کنم و در عوض بخش‌های فنی اما روشن و واضح را باقی بگذارم. بر این باورم که اگر خواننده علاقمندی همین مقدار متن را بخواند

و نکات آن را بیاموزد و از آن لذت ببرد، در قدم‌های بعدی سختی‌های کلنجار رفتن با متون اصلی را به جان خواهد خرید تا به لذت‌های بزرگتری دست یابد.

اندکی از گلستان سعدی، اندکی از غزلیات سعدی، اندکی از غزلیات حافظ، کمی از تاریخ بیهقی و خلاصه سه قصیده از ناصر خسرو، انوری و خاقانی تمام متونی است که برای این کتاب انتخاب شده است. لازم است تأکید کنم که آنچه در این کتاب آمد، بدآزمینده تمام متون مهم ادب فارسی نیست. از کتاب‌های مهمی مثل شاهنامه فردوسی، بوستان سعدی، مثنوی معنوی و دیوان شمس، منظومه‌های نظامی گنجوی و از شعرا سبک‌سی هیچ نمونه‌ای در این کتاب نیامده است. سبب آن است که اولاً اینجا مبانی اندکی است و آوردن نمونه از تمامی آثار مهم، میدانی فراخ‌تر می‌طلبد، ثانیاً تجربه نشان داده که این متن از نظر تأثیرگذاری روی خوانندگان - کم و بیش - نتایج زود بازده‌تری دارد. البته بر واضح است که این بدان معنا نیست که خوانندگان از خواندن دیگر آثار بی‌نیازند. مگر کسی می‌تواند بگوید من شعر فارسی را می‌شناسم اما شاهنامه فردوسی را نخوانده‌ام؛ به هیچ وجه! اما شاید خواندن تاریخ بیهقی و انس گرفتن با شیوه‌های زبانی آن، زودتر از شاهنامه بتواند تأثیر مثبت استواری‌ها و درشتی‌های زبان سبک خراسانی را در نوشته‌های کسی آشکار کند. بدیهی است که شاهنامه برتری‌های بی‌شمار خودش را دارد که بر اهل فن پوشیده نیست، اما مسئله ما در این کتاب در درجه اول «زبان» و تأثیرات زبانی متون روی افراد است.

در گزینش آثار سعدی مرجع اصلی، کلیات سعدی به تصحیح شادروان استاد محمدعلی فروغی است اما از آنجا که هدف در این کتاب ارتباط برقرار کردن مخاطبان کم تجربه با متون است نگاهی به نسخه بدل‌هایی که استاد فروغی در پاورقی آورده است نیز داشته‌ام و برخی کلمات و عبارات را با آنها جایگزین کرده‌ام. در این راه به تصحیح استاد غلامحسین یوسفی نیز چشمی داشته‌ام و در موارد معدودی از متن تصحیح شده ایشان نیز بهره برده‌ام. در انتخاب غزلیات حافظ، تنها «حافظ به سعی سایه» را پیش رو نهادم که توجهی ویژه به ظرفیت‌های موسیقایی غزل حافظ دارد و

برای هدفی که ما دنبال می‌کنیم مناسب‌ترین گزینه به نظر می‌رسد. البته در اینجا نیز چشمی به نسخه بدل‌های پاورقی داشته‌ام و کلمات و عباراتی را با آن‌ها جایگزین کرده‌ام. در مورد تاریخ بیهقی نیز نسخه شادروان استاد خلیل خطیب رهبر را پیش رو نهادم.

در بخش «اشاره‌ها و نکته‌ها» سعی کردم ابتدا فهم خودم از ابیات و جملات را مطرح کنم و مواردی که از شرح استادان بهره برده‌ام را در پراکنش ذکر کرده‌ام. در ترتیب انتخاب متون نیز نکاتی را که در کار آموزش، به تجربه دریافته‌ام در نظر گرفته‌ام. لذا از نویسندگان محترم تقاضا دارم که حتماً فصل‌های کتاب را به ترتیب مطالعه کنند.

در پایان باید این حقایق را عرض کنم که نویسنده این سطور، خود هنوز در مرتبهٔ آموختن است و بسیار کتاب خوانده و نکتهٔ نادانسته پیش رو دارد. از این روشی نیست که این تلاش او با کاستی‌هایی همراه خواهد بود. این وجود باور دارم که «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل» است. تجربهٔ معی و حشر و نشر با شاعران و نویسندگان جوان سبب شد که جای چنین تلاشی مکتوب را بی‌اشتی دادن نسل جدید با متون کهن خالی ببینم و دست به نگارش این کتاب ببرم. امیدوارم این فصل کاستی‌های آن را ببخشایند و اشکالات را صادقانه و دوستانه تذکر دهند که قطعاً پیغام راهم خواهد بود.

هَمَّتَم بِدَرْقَةِ السَّنَنِ طَائِرِ قَدَسٍ
 که دراز است ره مقصد و من نویسم

محمد رضا طاهری

تابستان ۱۳۹۸ هجری خورشیدی